

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرمانده و پرسنل نیروی هوایی ارتش

(از ۱۳۸۷ تا کنون)

بخش سوم

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان و جمیع کثیری از پرسنل

نیروی هوایی ارتش. ۱۳۸۸/۱۱/۱۹

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خیلی خوش آمدید عزیزان؛ سرداران و افسران و تلاشگران یک جبهه‌ی بسیار مهم از مجموعه‌ی جبهه‌ی مجاهدت انقلاب! روز نوزدهم بهمن، روز بسیار مهمی در تاریخ انقلاب است. در آن حادثه‌ی بزرگی که اکثر شما جوانها شنیده‌اید و ما آن را به چشم دیدیم، هیچ انگیزه‌ای جز انگیزه‌ی خدائی و اخلاص وجود نداشت؛ به همین جهت هم این حادثه در وقت خود بسیار اثرگذار شد و در تاریخ هم ماندگار گردید. این خصوصیت کار خدائی و مخلصانه است؛ میماند، اثر میگذارد؛ این اثر هم مخصوص همان زمانی که این پدیده واقع شد، نخواهد بود؛ یک اثر مستمر و دائمی است. کار خدائی اینجوری است. آن روزی که جوانهای نیروی هوایی آمدند مدرسه‌ی علوی و با امام بیعت کردند و یک سدی را شکستند، یک خطشکنی بزرگ سیاسی کردند، نه پستی در انتظار آنها بود، نه مقامی، نه پولی، نه حتی تحسینی؛ آنچه احتمالاً در انتظار آنها وجود داشت، تهدید بود و خطر. پس هیچ انگیزه‌ای جز انگیزه‌ی خدائی وجود نداشت. آن روز این حادثه‌ی خدائی اثرگذار شد، امروز هم بعد از گذشت سی و یک سال همچنان اثرگذار است.

این روزها، روزهای دهه‌ی آخر صفر است؛ روزهای بعد از اربعین است. اگر نگاهی کنیم به تاریخ صدر اسلام، این روزها روزهای زینب کبری (سلام الله علیها) است. آن کاری هم که زینب کبری (سلام الله علیها) کرد، یک کار از همین جنس بود؛ یعنی کاری محضاً برای خدای متعال، در دل خطرها و محنتها و زحمتها؛ یک ابراز وجود معنوی و الهی دین در چهره‌ی مصمم زینب کبری (سلام الله علیها). خوب است بدانیم و بفهمیم حروف تاریخ گذشته‌ی بسیار ارجمندی را که تا امروز منشأ برکات فکری و معرفتی شده است و انشاءالله تا آخر دنیا هم خواهد بود.

زینب (سلام الله علیها)، هم در حرکت به سمت کربلا، همراه امام حسین؛ هم در حادثه‌ی روز عاشورا، آن سختی‌ها و آن محنتها؛ هم در حادثه‌ی بعد از شهادت حسین بن علی (علیه السلام)، بی‌سرنهایی این مجموعه‌ی به جا مانده‌ی کودک و زن، به عنوان یک ولیّ الهی آنچنان درخشید که نظیر او را نمیشود پیدا کرد؛ در طول تاریخ نمیشود نظیری برای این پیدا کرد. بعد هم در حوادث پی‌درپی، در دوران اسارت زینب، در کوفه، در شام، تا این روزها که پایان آن حوادث است و شروع یک سرآغاز دیگری است برای حرکت اسلامی و پیشرفت تفکر

اسلامی و پیش بردن جامعه‌ی اسلامی. برای خاطر همین مجاهدت بزرگ، زینب کبری (سلام الله علیها) در نزد خداوند متعال یک مقامی یافته است که برای ما قابل توصیف نیست.

شما ملاحظه کنید؛ در قرآن کریم، به عنوان یک نمونه‌ی کامل ایمان، خدای متعال دو زن را مثال میزند؛ به عنوان نمونه‌ی کفر هم دو زن را مثال میزند. «ضرب الله مثلا للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط کانتا تحت عبدین من عبادنا»؛ (۱) که این دو مثال، مربوط است به زنانی که نمونه‌ی کفرند. یعنی به عنوان نمونه، از مردان مثال نمی‌آورد؛ از زنان مثال می‌آورد؛ هم در باب کفر، هم در باب ایمان. «و ضرب الله مثلا للذین امنوا امرأت فرعون»؛ (۲) یکی زن فرعون را به عنوان نمونه‌ی کامل ایمان مثال می‌آورد، یکی هم حضرت مریم کبری؛ «و مریم ابنت عمران»؛ (۳)

یک مقایسه‌ی کوتاه بین زینب کبری و بین همسر فرعون، عظمت مقام زینب کبری را نشان میدهد. در قرآن کریم، زن فرعون نمونه‌ی ایمان شناخته شده است، برای مرد و زن در طول زمان تا آخر دنیا. آن وقت مقایسه کنید زن فرعون را که به موسی ایمان آورده بود و دل‌بسته‌ی آن هدایتی شده بود که موسی عرضه میکرد، وقتی در زیر فشار شکنجه‌ی فرعون قرار گرفت، که با همان شکنجه هم - طبق نقل تواریخ و روایات - از دنیا رفت، شکنجه‌ی جسمانی او، او را به فغان آورد: «اذ قالت ربّ ابن لی عندک بیتا فی الجنّة و نجّنی من فرعون و عمله»؛ (۴) از خدای متعال درخواست کرد که پروردگارا! برای من در بهشت خانه‌ای بنا کن. در واقع، طلب مرگ میکرد؛ میخواست که از دنیا برود. «و نجّنی من فرعون و عمله»؛ من را از دست فرعون و عمل گمراه‌کننده‌ی فرعون نجات بده. در حالی که جناب آسیه - همسر فرعون - مشککش، شکنجه‌اش، درد و رنجش، درد و رنج جسمانی بود؛ مثل حضرت زینب، چند برادر، دو فرزند، تعداد زیادی از نزدیکان و برادرزادگان را از دست نداده بود و در مقابل چشم خودش به قربانگاه نرفته بودند. این رنجهای روحی که برای زینب کبری پیش آمد، اینها برای جناب آسیه - همسر فرعون - پیش نیامده بود. در روز عاشورا زینب کبری این همه عزیزان را در مقابل چشم خود دید که به قربانگاه رفته‌اند و شهید شده‌اند: حسین بن علی (علیه السلام) - سیدالشهداء - را دید، عباس را دید، علی اکبر را دید، قاسم را دید، فرزندان خودش را دید، دیگر برادران را دید. بعد از شهادت، آن همه محنتها را دید؛ تهاجم دشمن را، هتک احترام را، مسئولیت حفظ کودکان را، زنان را. عظمت این مصیبتها را مگر میشود مقایسه کرد با مصائب جسمانی؟ اما در مقابل همه‌ی این مصائب، زینب به پروردگار عالم عرض نکرد: «ربّ نجّنی»؛ نگفت پروردگارا! من را نجات بده. در روز عاشورا عرض کرد: پروردگارا! از ما قبول کن. بدن پاره پاره‌ی برادرش در مقابل دست، در مقابل چشم؛ دل به سمت پروردگار عالم، عرض میکند: پروردگارا! این قربانی

را از ما قبول کن. وقتی از او سؤال میشود که چگونه دیدی؟ میفرماید: «ما رأیت الّا جمیلاً». (۵) این همه مصیبت در چشم زینب کبری زیباست؛ چون از سوی خداست، چون برای اوست، چون در راه اوست، در راه اعلای کلمه‌ی اوست. ببینید این مقام، مقام چنین صبری، چنین دلدادگی نسبت به حق و حقیقت، چقدر متفاوت است با آن مقامی که قرآن کریم از جناب آسیه نقل میکند. این، عظمت مقام زینب را نشان میدهد. کار برای خدا اینجور است. لذا نام زینب و کار زینب امروز الگوست و در دنیا ماندگار است. بقای دین اسلام، بقای راه خدا، ادامه‌ی پیمودن این راه به وسیله‌ی بندگان خدا، متکی شده است، مدد و نیرو گرفته است از کاری که حسین بن علی (علیه السلام) کرد و کاری که زینب کبری کرد. یعنی آن صبر عظیم، آن ایستادگی، آن تحمل مصائب و مشکلات موجب شد که امروز شما می‌بینید ارزشهای دینی در دنیا، ارزشهای رائج است. همه‌ی این ارزشهای انسانی که در مکاتب گوناگون، منطبق با وجدان بشری است، ارزشهایی است که از دین برخاسته است؛ اینها را دین تعلیم داده است. کار برای خدا خاصیتش این است.

از جنس همین کار، کار انقلاب بود؛ لذا انقلاب ماندگار شد، ثبات و اقتدار معنوی و حقیقی پیدا کرد، دوام پیدا کرد. این انقلاب، انقلابی بود برای خدا. آن روزی که این انقلاب آغاز شد، این نهضت به وجود آمد، مثل نهضت احزاب نبود، مثل حرکت سیاسی حزبهای دنیا نبود که به قصد کسب قدرت باشد؛ حرکتی بود در عین مظلومیت، برای اجرای احکام الهی، برای ایجاد جامعه‌ی اسلامی، برای استقرار عدالت در جامعه. آن کسانی که مجاهدت کردند تا انقلاب به پیروزی رسید، و آن کسانی که پای این انقلاب ایستادند و مجاهدت کردند تا این ثبات و دوام را پیدا کرد، نیت‌های خالصشان بود. شهدای شما، شهدای نیروی هوایی، از این قبیل بودند. شهدای نیروهای مسلح، همه از این قبیل هستند. آن کسانی که برای خدا کار کردند، برای خدا تلاش کردند، خداوند هم به کارشان برکت داد. چیزی که دشمن انقلاب آن را نمیتواند درک کند، همین نکته است. چیزی که دستگاه‌های استکبار و صهیونیسم نمیتوانند بفهمند، همین مسئله است. نمیتوانند بفهمند که استحکام این بنا به خاطر این است که برای خداست، بر پایه‌ی اخلاص بنا شده است و با مجاهدت پیش رفته است. لذا انقلاب و نظام اسلامی دلها را تسخیر میکند.

شما نگاه کنید ببینید امروز چند هزار رسانه، اعم از صوتی و تصویری و انواع و اقسام رسانه‌های گوناگون، با مدرنترین شیوه‌ها علیه این نظام دارند کار میکنند. صدها مغز و فکر در اتاقهای فکر نشسته‌اند؛ هر روزی یک حرفی، یک شعاری، یک فکری، یک ترفندی علیه این انقلاب دارند طراحی میکنند؛ اما نمیتوانند به انقلاب لطمه‌ای بزنند، نمیتوانند به نظام اسلامی صدمه‌ای وارد کنند. این برای چیست؟ استحکام این بنا به خاطر بنا شدن بر اصل ایمان به خداست. آن کسانی که در این راه حرکت کردند، کار خدائی کردند.

این نظام، شبیه نظامهای دیگر نیست. امروز هیچ نظامی در دنیا نیست که این همه علیه او کار تبلیغاتی بکنند، کار سیاسی بکنند، فشار اقتصادی وارد کنند، تحریم وارد کنند و او بتواند اینجور مستحکم بایستد؛ چنین چیزی در دنیا وجود ندارد. اما این نظام ایستاده است، بعد از این هم خواهد ایستاد؛ این را همه بدانند. نه آمریکا، نه صهیونیسم، نه مجموعه‌ی مستکبران و زورگویان عالم، نه با وسائل سیاسی، نه با وسائل اقتصادی، نه با تحریم، نه با تهمت، نه با تحریک ایادی خود در داخل، نخواهند توانست اندکی این انقلاب را بلرزانند.

راز ماندگاری این انقلاب، اتکای به ایمانهاست؛ اتکای به خداست. لذا شما می‌بینید آن روزی که توده‌ی عظیم مردم در سرتاسر کشور احساس کنند که دشمنی‌ای متوجه انقلاب است، احساس کنند که دشمنی جدی‌ای وجود دارد، بدون فراخوان حرکت میکنند می‌آیند. روز نهم دی شما دیدید در این کشور چه اتفاقی افتاد و چه حادثه‌ای پیش آمد. دشمنان انقلاب که همیشه سعی میکنند راهپیمائی‌های میلیونی را بگویند چند هزار نفر آمده‌اند - تحقیر کنند، کوچک کنند - اعتراف کردند و گفتند در طول این بیست سال، هیچ حرکت مردمی‌ای به این عظمت در ایران اتفاق نیفتاده است؛ این را نوشتند و گفتند. آن کسانی که سعی در کتمان حقائق درباره‌ی جمهوری اسلامی دارند، این را گفتند. علت چیست؟ علت این است که مردم وقتی احساس میکنند دشمن در مقابل نظام اسلامی ایستاده است، می‌آیند توی میدان. این حرکت ایمانی است، این حرکت قلبی است؛ این چیزی است که انگیزه‌ی خدائی در آن وجود دارد؛ دست قدرت خداست، دست اراده‌ی الهی است؛ این چیزها دست من و امثال من نیست. دلها دست خداست. اراده‌ها مقهور اراده‌ی پروردگار است. وقتی حرکت خدائی شد، برای خدا شد، اخلاص در کار بود، خدای متعال اینجور دفاع میکند. لذا می‌فرماید: «انّ الله يدافع عن الذين امنوا» (۶) این را دشمنان نظام اسلامی نمی‌فهمند، تا امروز هم نفهمیدند؛ لذا تهدید میکنند، حرف می‌زنند، روشهای گوناگون را به کار می‌گیرند، به خیال خودشان می‌گردند نقطه ضعف برای جمهوری اسلامی پیدا کنند؛ گاهی اسم حقوق بشر را می‌آورند، گاهی اسم دموکراسی را می‌آورند؛ ترفندهائی که امروز برای مردم دنیا حقیقتاً ترفندهای مسخره است. می‌گویند افکار عمومی؛ اما افکار عمومی اگر این حرفها را از آمریکا و صهیونیسم باور میکرد، اینجور در دنیا، در کشورهای مختلف، ملت‌های مختلف، در مواقع گوناگون، نفرت خودشان را از این سران مستکبر نشان نمیدادند، که می‌بینید نشان میدهند. هر جا سفر میکنند، گروهی از مردم علیه‌شان شعار میدهند. پیداست که افکار عمومی دنیا فریب ترفندهای اینها را نخورده است.

آن کسانی دم از حقوق بشر می‌زنند که اولی‌ترین حقوق انسانها را، هم در زندانهایشان، هم در سرتاسر دنیا، هم در تعاملشان با ملت‌ها، و حتی با ملت خودشان زیر پا لگدکوب میکنند! اینها می‌گویند حقوق بشر! شکنجه را قانونی میکنند! این افتضاح نیست برای یک کشور؟ این مایه‌ی سرافکندگی نیست که یک کشوری شکنجه‌ی

زندانیان را قانونی بکند و به شکل قانون در بیاورد؟ آن وقت اینها دم از حقوق بشر میزنند، دم از دفاع از حرمت انسان و کرامت انسان میزنند! خوب، بینندگان و شنوندگانی که در دنیا این حرفها و این ادعاها را می‌بینند و میشنوند و آنها را با آن رفتارهایی که میدانند، مقایسه میکنند، اینها را مسخره میکنند. کی این چیزها را از اینها باور میکند؟

دم از دموکراسی میزنند؛ اما با مستبدترین و ارتجاعی‌ترین حکومتها در گوشه و کنار دنیا - از جمله در منطقه‌ی ما - عقد اخوت میبندند! امروز رژیمهایی که بیشتر مرتبط با آمریکا هستند، در منطقه‌ی خاورمیانه کی‌هایند؟ در شمال آفریقا کی‌هایند؟ از آنها مستبدر وجود دارد؟ دم از دموکراسی میزنند؛ آن وقت با جمهوری اسلامی - این مردم‌سالاری درخشان که قدرت این را دارد که هشتاد و پنج درصد از صاحبان رأی را به پای صندوق رأی بکشاند - به عنوان دموکراسی در بیفتند! خوب، این مسخره است؛ این را همه میفهمند. بینندگان عالم، کسانی که میفهمند و قضایا را میدانند، این رویکرد آمریکائی را استهزاء میکنند.

ملت ایران، ملت هوشمندی است؛ ملت هوشیاری است؛ تجربه کرده است. این قضایا مال امروز هم نیست برادران عزیز! عده‌ای از شماها به یاد دارید، جوانها هم بدانند؛ سی و یک سال است که این ماجرا بین دستگاه‌های استکبار و ملت ایران در جریان است. این قضایا مال امروز نیست؛ هم این تهدیدهایشان که همیشه ناکام مانده، هم تحریمهایشان، هم بدگویی‌هایشان، هم تهمت‌هایشان. جمهوری اسلامی در فضای بمباران تبلیغاتی، اینچنین توانسته به این پیشرفته‌ها دست پیدا کند. امروز نیروی هوایی شما با نیروی هوایی اول انقلاب قابل مقایسه نیست. مهارت‌های امروز شما، توانائی‌های امروز شما، تجهیزات امروز شما، پیشرفته‌های نیروی انسانی، ابتکارهای گوناگون، با اول انقلاب قابل مقایسه نیست؛ با بیست سال قبل هم قابل مقایسه نیست.

ما روزبه‌روز پیش رفتیم؛ همه بخشهای کشور همین جور است. این کشوری که امروز آن توانائی‌های موشکی‌اش است، آن توانائی‌های زیست‌شناسی‌اش است، آن توانائی‌های هسته‌ای‌اش است، آن توانائی‌های لیزری‌اش است - که میدانید و شنیدید و اطلاع دارید - و در بخشهای گوناگون، توانائی‌هایش با این عظمت و با این درجه‌ی از اهمیت است، همان کشوری است که در اول انقلاب، ساده‌ترین تجهیزات را بایستی وارد میکرد؛ باید از این و آن وام میگرفت؛ باید ابتدائی‌ترین امکانات را از دیگران میخرد، و نمیفروختند؛ باید به چند برابر قیمت میخرد، و تهیدست بود. امروز این همان ارتش است، این همان نیروهای مسلح است، این همان مجموعه است، این همان نیروی هوایی است که امروز به این پیشرفته‌ها نائل شده است، و همان مجموعه‌های گوناگون دانشگاهی و علمی و پژوهشی و فناوری است که به اینجا رسیده است. زیر بمباران همین دشمنی‌ها و تهدیدها و تحریمها ما به اینجا رسیدیم. ملت ایران را از تهدید میترسانید؟ از تحریم میترسانید؟

آنچه که مهم است، این است که ملت عزیز ما اتحاد خود را حفظ کنند، وحدت کلمه را حفظ کنند. این وحدت کلمه، خاری در چشم دشمنان است. سعیشان این است که وحدت کلمه‌ی ملت را به هم بزنند. به گمان من مهمترین هدف از حوادث دوران فتنه‌ی بعد از انتخابات - این چند ماه - این بود که بین آحاد ملت شکاف بیندازند؛ سعیشان این بود. میخواستند بین آحاد مردم شکاف بیندازند، و نتوانستند. امروز معلوم شده است که آن کسانی که در مقابل عظمت ملت ایران، در مقابل کار بزرگ ملت ایران در انتخابات ایستادند، آنها بخشی از ملت نیستند؛ افرادی هستند یا ضد انقلاب صریح، یا کسانی که بر اثر جهالت خود، بر اثر لجاجت خود، کار ضد انقلاب را میکنند؛ ربطی به توده‌ی مردم ندارند. توده‌ی مردم راه خود را ادامه میدهد؛ راه خدا را، راه اسلام را، راه جمهوری اسلامی را، راه پیاده کردن احکام الهی را، راه رسیدن به عزت و استقلال در پناه اسلام را. ملت حرکتش اینجوری است.

البته یک عده‌ای از اول با این مخالف بودند. یک عده‌ای از اول مایل بودند که آمریکا بر سلطه و سیطره‌ی ظالمانه‌ی خود بر این کشور برگردد؛ دنبال این بودند، الان هم پنهان نمیکنند. کسانی در بیرون کشورند، عواملی هم در داخل هستند؛ در این شکی نیست. فرزندان کسانی که از این انقلاب زخم خوردند، فرزندان کسانی که مزدوری رژیم طاغوت را کردند، اینها که از بین نرفتند؛ اینها هستند. همان کینه‌های سی ساله، امروز هم وجود دارد؛ از اول هم بوده است. از اول انقلاب بودند، امروز هم هستند، بعد از این هم خواهند بود. یک عده‌ای هم هستند که از اساس با حاکمیت اسلام مخالفند، با فقه مخالفند؛ چه برسد با فقیه. مسئله‌ی آنها، مسئله‌ی اسلام است. لیکن اینها همه افرادی هستند که مجموعه‌ی کوچکی را تشکیل میدهند.

این ملت عظیم، این عظمت ملی، در جهت اسلام، برای خدا، در راه خدا، با هم متفقند؛ حرفشان یکی است، دلشان یکی است؛ ولو سلائق سیاسی‌شان ممکن است مختلف باشد. این وحدت را میخواهند به هم بزنند. و ملت ایستاده است. روز بیست و دوی بهمن ان‌شاءالله به حول و قوه‌ی الهی ملت عزیز ایران نشان خواهد داد که چگونه با اتحاد خود، با وحدت کلمه‌ی خود، آنچنان مشت‌ی به دهان همه‌ی مستکبرین، به آمریکا، به انگلیس، به صهیونیستها خواهد زد که باز هم مثل گذشته اینها را مبهوت کند.

جمهوری اسلامی راه خودش را - راه عزت در سایه‌ی اسلام، امنیت در سایه‌ی اسلام، عدالت در سایه‌ی اسلام، مردم‌سالاری در سایه‌ی اسلام و برخاسته‌ی از اندیشه‌ی اسلامی - ادامه خواهد داد و بدون هیچ تردیدی، بدون هیچ سستی‌ای پیش خواهد رفت و نسلهای آینده قضاوت خواهند کرد. و بدانید؛ جوانهای امروز ما و نسلهای بعد از اینها خواهند آمد، با تجربه‌ی عظیم انباشته‌ی در دل این ملت در مواجهه‌ی با استکبار، و راه قله‌ها را ادامه خواهند داد و به این قله‌ها هم خواهند رسید. ملت ایران، شایسته‌ی رسیدن به قله‌هاست. ملتی که هوشمند

است، دارای ابتکار است، دارای ایمان است، وقتی این ملت آزادی ناشی از اسلام را که انقلاب به ما عطا کرده است، داشته باشد، اینچنین ملتی در سیر خود، در حرکت خود، هیچ جا متوقف نخواهد شد. ان شاء الله این روز را شما جوانها خواهید دید. شما باید همت کنید. شما در بخش خودتان، و همه در بخشهای خودشان، تلاش کنند، همت کنند.

نیروی هوایی - همان طور که فرمانده محترم نیرو گزارش دادند - پیشرفتهای خوبی داشته است؛ ما هم از پیشرفتهای خوب نیروی هوایی در بخشهای مختلف مطلعیم؛ لیکن در عین حال هیچ توفقی جایز نیست. به وضع موجود قناعت نکنید. ابتکارها را به کار بیندازید. شما شایسته‌ی بیش از این هستید، و ملت شما شایسته‌ی نیروی هوایی حتی مقتدرتر از این است. این مجموعه‌ی نیروهای مسلح - از جمله نیروی هوایی - باید بتوانند عزت ملت ایران را، استحکام ملت ایران را مشخص کنند و نشان بدهند؛ مظهري باشند از ایستادگی و اقتدار این ملت، که ان شاء الله همین جور هم خواهد شد.

امیدواریم خداوند متعال شهدای عزیز نیروی هوایی و ارتش جمهوری اسلامی ایران و مجموعه‌ی نیروهای مسلح و همه‌ی شهدای عزیز را با اولیائشان محشور کند و روح مطهر امام بزرگوار ما را که این روزها غالباً ملت ایران بیش از دیگر ایام، آشنا و مانوس و دلگرم به یاد و خاطره‌ی آن بزرگوار و عزیز هستند، با اولیائش محشور کند و قلب مقدس ولی عصر ان شاء الله از همه‌ی شما راضی باشد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان و جمع کثیری از پرسنل

نیروی هوایی ارتش. ۱۳۸۹/۱۱/۱۹

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خیلی خوشامدید برادران عزیز و فرماندهان خدوم و کوشنده‌ی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و پدافند هوایی. امیدواریم که خداوند متعال به همه‌ی شما این توفیق را، این کمک را بفرماید که شأن والای نیروی هوایی را - که بحمدالله بر اثر تلاشهای فراوان به دست آمده است - و همچنین قرارگاه پدافند را روزبه‌روز بالاتر ببرید. امروز هم جمع عزیز شما در این حسینیه و بیانات خوب فرمانده محترم و سرود پرمغز و زیبایی که جوانان عزیزمان اجرا کردند، برای مجموعه‌ی ما ان‌شاءالله خاطره‌انگیز خواهد بود.

روز نوزدهم بهمن که از یک حرکت شجاعانه‌ی نیروی هوایی در سال ۵۷ آغاز و ماندگار شد، یک روز پرمضمون و پرمعنایی است. آن برادران شجاعی که در آن روز وارد میدان مبارزه شدند و در کنار مردم نقش ایفا کردند، در واقع دو کار مهم انجام دادند: یکی هویت‌سازی ارتش جمهوری اسلامی ایران بود؛ معرفی یک هویت جدید و نوین که مردم تا آن روز با این هویت آشنا نبودند. غالباً مردم در مورد سازمانها و تشکیلات گوناگون، ویتربینها را می‌بینند. ویتربینها آن روز ویتربینهای خوبی نبودند. در درون و در عمق ارتش جمهوری اسلامی، انسانهای مؤمن، انسانهای مستقل و آزاده، بسیار زیاد بودند، که با همان آرمانهای ملت ایران زندگی میکردند، با همان آرمانها تلاش میکردند؛ منتها فرصتهایی لازم بود تا اینها بتوانند خود را نشان بدهند. یک چنین ظرفیت عظیمی در ارتش بود. مردم این ظرفیت را نمیشناختند. حرکت آن روز جوانان نیروی هوایی - که من از نزدیک شاهد آن بودم - یک هویت جدیدی را برای ارتش تعریف کرد؛ این مسئله‌ی مهمی است. بعد هم همین هویت در طول سالهای بعد - چه در طول دوران جنگ هشت ساله و دفاع مقدس، چه بعد از آن، و چه قبل از آن - روزبه‌روز تقویت شد. و میخواهم عرض کنم که حتی سالهای بعد، درخشنده‌گی و نمایانی این هویت بیشتر هم شد.

دومین مطلبی که آن روز به وسیله‌ی این حرکت ثابت شد و به وجود آمد، عبارت بود از جریان‌سازی. خاصیت انسان زنده این است که در محیط خود، در شعاع وجودی خود تأثیر میگذارد و جریان ایجاد میکند؛ حرکت او به جلو، حرکتهایی را به جلو به وجود می‌آورد. این کار، آن روز اتفاق افتاد. بدون شک این کاری که در روز نوزده بهمن در مدرسه‌ی علوی خیابان ایران در حضور امام انجام گرفت، در حادثه‌ی بیست و دوم بهمن تأثیر داشت.

در آن شبهای بیست و یکم و بیست و دوم، من میشنفتم و میدیدم کسانی را که در این خیابانهای منتهی به مقر امام می‌آمدند و فریاد میزدند که مردم را در خانه‌هایشان بیدار کنند؛ میگفتند که جوانان نیروی هوایی - همافران و افسران - در خطرند؛ چون مورد تهاجم قرار گرفته بودند. این خیلی معنا دارد. این حرکت، این جریان عظیم را به وجود آورد؛ تحرک جدیدی و روحیه‌ی تازه‌ای ایجاد کرد.

خب، این یک نمونه است؛ این یک مسطوره است؛ مشتی از یک انبار عظیم گندم است؛ گوشه‌ای از جامعه‌ی ماست که نشان‌دهنده‌ی وضعیت عمومی و کلی جامعه است. کشور با این حرکت نجات پیدا کرد. کشور عظیم ایران با این سابقه‌ی فرهنگی، با این همه ظرفیتهای مادی و معنوی، اسیر بود. این یک واقعیت بسیار تلخی است که به خاطر وجود تعارضها و اختلافها و مسائل گوناگون و دخالت دستهای مختلف از اطراف، هنوز هم در تاریخ ما درست باز نشده است. کشور اسیر بود؛ کشور تحقیر شده بود؛ کشور به وسیله‌ی قدرتهای زورگو و سلطه‌جوی عالم، مورد اهانت قرار گرفته بود؛ به دست فراموشی سپرده شده بود. ایران بزرگ، ایران باعظمت، ایران مفتخر به ایمان عمیق اسلامی، در محیط پیرامون خود اثری نداشت؛ چون بختک سنگین میشوم سلطه‌ی بیگانه بر آن سنگینی میکرد. ملت این حجاب را درید و این کابوس را شکست. حرکت ملت در بیست و دوم بهمن و قضایائی که منتهی به بیست و دوی بهمن بود، یک چنین حرکتی بود.

من بارها گفته‌ام، روز جمعه هم تکرار کردم؛ امروز مهمترین مسئله در باب انقلاب ما، وقتی به این سی و دو سال نگاه میکنیم، عبارت است از ثبات و استقامت. یعنی ما سر حرف خودمان ایستاده‌ایم. ایستادن بر سر اصول، برای یک ملت، برای یک مجموعه، افتخار است. اصول، چیزهائی است که باید بر سر آن ایستاد. ارزشها را بایستی نگاهبانی کرد، پاسداری کرد. مهمترین ارزشی هم که برای ملت ما وجود داشت و امروز هم وجود دارد و تا آخر هم همین خواهد بود، عبارت است از اسلام. استقلال در اسلام است، آزادی در اسلام است، پیشرفت مادی در اسلام است، وحدت ملی در اسلام است، شکوفائی استعدادها در اسلام است؛ همه‌ی اینها در اسلام مندمج و مندرج است. علت اینکه امام روی کلمه‌ی «جمهوری اسلامی» تکیه کردند، همین است. تأکید بر جمهوری، به خاطر این است که نکته‌ی مهم، اتکاء به مردم است. اگر اسلام باید در جامعه حاکمیت پیدا کند، بدون ایمان عمومی امکان‌پذیر نیست. پس حضور مردم، رأی مردم، خواست مردم، دخالت مردم، شد یک نقطه‌ی اساسی؛ پس شد جمهوری اسلامی. این را باید حفظ کنیم، این را باید زنده نگه داریم، این پرچم بایستی برافراشته بماند. اگر توانستیم خودمان را به عمق و ژرفای این کلمه‌ی پرمغز - جمهوری اسلامی - هرچه بیشتر نزدیک کنیم، موفقیتها روزبه‌روز افزایش خواهد یافت؛ و این احتیاج دارد به همت بلند، همت مضاعف و کار مضاعف، که خوشبختانه امسال اثر همت مضاعف و کار مضاعف را انسان در دستگاه‌های مختلف کشور مشاهده میکند. اگر

این شد، ملت ایران خواهد شد الگو؛ جمهوری اسلامی خواهد شد الگو. لزومی ندارد ملتها بگویند ایران الگوی ماست - گفتن مهم نیست؛ بگویند یا نگویند - مهم این است که این نسیم جانبخش در محیطهای دیگر بوزد، آنها را متوجه کند و به حرکت در بیاورد؛ و این کار شده است.

اینکه شما می‌بینید امروز در بعضی از کشورها این حرکات عظیم وجود دارد، اینها که دفعتاً به وجود نمی‌آید؛ در طول زمان، انگیزه‌ها و خواستها و معرفتها متراکم میشود و در یک مقطع مناسب بروز میکند. امروز، روز بروز آنهاست. تراکم این انگیزه‌ها، پی‌درپی آمدن این معرفتها و خواستها، مربوط به سالهای گذشته است؛ و شما ملت ایران و شما مسئولان سازمانهای مسلح، نقش عمده‌ای داشتید. این را بایستی حتماً در نظر داشت.

ما امروز در میانه‌ی میدانیم؛ همچنان که در میانه‌ی راهیم. حالا تعبیر نمیکنیم در آغاز راه؛ که شاید به یک معنا، با نگاه به بلندمدت، در آغاز راهیم. بالاخره ما در راهیم. باید راه را ادامه داد. آن کسی که راهی را طی میکند، اما خود را به مقصد نمیرساند و برمیگردد، وسط راه یا متوقف میشود یا راهش را منحرف میکند، او تفاوت زیادی ندارد با آن کسی که از منزل خود بلند نشده و اصلاً به راه نیفتاده. در این نتیجه، هر دو مانند هم هستند که به مقصد نرسیده‌اند و به مطلوب دست نیافته‌اند. بنابراین تداوم حرکت و استمرار حرکت لازم است؛ و این متکی است به همتها، به ایمانها، به تلاشها، به حضور جوانان. امروز خوشبختانه شما جوانها در کارهای گوناگون نیروهای مسلح در رأس قرار دارید؛ کارها دست شماست، متوجه به شماست، نگاه‌ها به سوی شماست. اگر چنانچه جوان متکی به خدا باشد، توکل به خدا کند، اعتماد به نفس داشته باشد، معجزه می‌آفریند. همه‌ی امور زندگی ما و کارهای بزرگی که انجام میگیرد، معجزات الهی است؛ ما عادت کردیم، معجزه بودن آنها را نمیفهمیم. این معجزه‌ها متکی است به نیرو، به همت و شجاعت و کارآمدی افراد. لذا باید کار را دنبال کرد.

نگاه کنیم ببینیم چه چیزهایی مزاحم پیشرفت است. یقیناً یکی از چیزهایی که مزاحم پیشرفت است، بی‌قیدی و بی‌مبالاتی نسبت به ارزشهاست. ارزشها را نباید از نظر دور داشت.

یکی از چیزهایی که قطعاً منافی با پیشرفت است، اختلاف و تفرقه است؛ تفرقه‌ی میان آحاد ملت، تفرقه‌ی میان مسئولین، تفرقه‌ی میان بخشهای گوناگون نظام، تفرقه‌ی میان نظام و مردم. این انسجام و یکپارچگی‌ای که انقلاب به ما داد، باید مثل یک ناموس مقدسی حفظ شود، از آن پاسداری شود. یکی از مهمترین کارهایی که در جنگ نرم دشمن وجود دارد - همیشه وجود داشته، امروز هم وجود دارد - این است که در این اتحاد یک تزلزلی ایجاد کنند، شکاف ایجاد کنند. برای این کار تلاش میکنند: بین شیعه و سنی اختلافات مذهبی ایجاد

کنند، بین فارس و عرب و ترک و گُرد و دیگران اختلافات قومی ایجاد کنند، اختلافات منطقه‌ای ایجاد کنند، اختلافات سازمانی ایجاد کنند، اختلافات حزبی ایجاد کنند.

با همه‌ی اینها باید با توجه کامل مقابله کرد؛ یعنی همان چیزی که ما به آن می‌گوئیم بصیرت. بدانیم کجائیم. این سنگری را که امروز شما در آن حضور دارید، بشناسیم. فرق است بین آن سربازی که در یک سنگر حساسی قرار گرفته و میداند که سنگر او چقدر حساس است، اهمیت کار خود و جایگاه خود را میداند، و بین آن کسی که در همان سنگر است، اما نمیداند چقدر مهم است؛ خوابش میبرد، غفلت میکند، سنگر را رها میکند، در داخل سنگر با همسنگری‌اش دعوا میکند. بدانیم جایگاه ملت ایران چقدر حساس است.

امروز خاورمیانه بیدار شده است، دنیای اسلام بیدار شده است. سالهای سلطه‌ی قدرتمندانِ دور از این منطقه - که به خاطر وجود منابع عظیم این منطقه هجوم آوردند و دوران استعمار و استعمار نو و استعمار بالاتر از نو را تجربه کردند - دارد به پایان میرسد؛ این یک واقعیتی است. یک روزی در منطقه‌ی ما این دو قدرت بزرگی که آن روز بودند - یعنی آمریکا و شوروی سابق - بر همه‌ی امور سیاسی این منطقه مسلط بودند. یک بخشی مربوط به چپ بود، یک بخشی مربوط به راست بود؛ با هم اختلاف و دعوا، بعد هم یک وقتی با هم می‌ساختند - در رأس، قدرتهای پشت سر اینها، آمریکا و شوروی با هم می‌ساختند - یکهو میدیدیم مصر را فروختند! کمالینکه در یک دوره‌ای فروختند. در واقع جنگ بین دو اردوگاه بود. بعد در بالا با هم نشستند پشت پرده مذاکره کردند، ملتها، زمامدارانشان، منافعشان، همه زیر پا له میشد.

امروز اینجوری نیست. امروز ملت‌های منطقه افول تدریجی قدرتها را می‌بینند. و در این زمینه، پیشرو، ایران اسلامی است با پشتوانه و عقبه‌ی عظیم فرهنگی و امکاناتی که در این کشور هست؛ آن هم ایران متکی به اسلام، که اسلام آمیخته است با جان و روح و فکر این ملت و این مجموعه. این را بایستی نگه داشت؛ این خیلی بالارزش است. هر بخشی هم نقشی دارد. ارتش نقش مختص خود را دارد. در میان ارتش، نیروی هوایی نقش ویژه‌ی خود را دارد.

این حدیث را من بارها از قول پیغمبر گفته‌ام که فرمود: «رحم الله امرأ عمل عملاً فأتقنه»؛ رحمت خدا بر آن کسی که کاری را به عهده بگیرد و آن را محکم و قوی و کامل انجام دهد. گزارشی که از نیروی هوایی به من رسید و گزارشها میرسد و امروز هم فرمانده محترم نیرو بخشی از آنها را بیان کردند، گزارشهای خوبی است؛ لیکن میخواهم بگویم به اینها اکتفا نکنید. مسئله‌ی قطعه‌سازی، مسئله‌ی شبیه‌سازی، مسئله‌ی تولید، آموزشهای گوناگون، اینها چیزهای بسیار بالارزشی است؛ سازماندهی بسیار بالارزش است، چه در بخش نیروی هوایی، چه در

بخش پدافند؛ لیکن اکتفا نکنید. ببینید نقصها کجاست. اگر چنانچه ورزشکاری فقط به آن بخشهایی از ماهیچه‌های برآمده‌ی خود نگاه کند که با ورزش توانسته اینها را به دست بیاورد، بخشهای مغفول مانده و ضعیف را نگاه نکند، در یک موقعیت حساس زمین خواهد خورد. ببینید ضعفها کجاست، ببینید اشکالات در کجاست، آنها را برطرف کنید؛ هر کس در بخش خود، در قسمت مربوط به خود. روزه‌روز تکمیل کنید. و تکمیل شدن نهایت ندارد. هرچه جلو برویم، جا دارد برای جلو رفتن و کاملتر شدن.

به دوستان عزیز فرماندهان نیرو و بقیه‌ی فرماندهان نیروهای مسلح هم من بارها می‌گویم؛ محدودیتها در بخشهای مختلف وجود دارند - تحریم هست، محدودیتهای مالی هست، چیزهای گوناگونی وجود دارد - از اینها باید عبور کنید. بهترین و زیرکترین انسانها کسانی هستند که شرایط موجود را می‌سنجند، بعد می‌بینند برای عمل در شرایط کنونی چه توانائی‌هایی دارند و از آن توانائی‌ها و ظرفیتهای استفاده می‌کنند؛ و آلا انسان نگاه کند، بگوید خب، این که نشد، این را که نداریم، پس هیچی! این نمیشود. کمبودها نباید ما را متوقف کند. کمبودها بایستی باعث شود که ما بیشتر به خودمان مراجعه کنیم، ظرفیتهای تازه‌ی خودمان را کشف کنیم. مثلاً در دو دهه‌ی پیش، کی در نیروی هوایی حدس میزد که این نیرو بتواند این همه امکانات برای خودش به وجود بیاورد و تولید کند؟ در بخشهای دیگر هم همین جور. در بخشهای فضائی ما، در بخشهای پزشکی ما، در بخشهای داروئی ما، در بخشهای گوناگون علمی و فنی ما، تا دو سه دهه‌ی پیش کی حدس میزد که میشود این کارها را کرد؟ اما رفتند، جوانان ما همت کردند و شد. کارهایی شده است که امروز دشمنان ما هم زبان به اعتراف می‌کشایند. البته دشمنی میکنند؛ این را وسیله‌ای قرار میدهند برای سیاستهای ایران‌ستیزی و ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی؛ لیکن اعتراف میکنند به اینکه اینها هست.

من می‌خواهم به شما بگویم؛ شما هم از اینکه کمبودهایی در بخشهایی وجود دارد، مطلقاً پا عقب نکشید؛ بروید سراغ اینکه از ظرفیتهای تازه‌ای استفاده کنید در وجود خودتان، در استعداد خودتان، در ذهن و مغز خودتان، در توان سرپنجه‌های ماهر خودتان، و آن کمبودها را از طرق دیگری جبران کنید؛ این عملی است، این شدنی است.

ما در بخشهایی از بخشهای صنعتی کشور مبتلا شدیم به تحریم. تحریم کنندگان خیال کردند حالا که تحریم کردند، این بخشها خواهد خوابید؛ اما بعکس شد. تحریم موجب شد که جوانان ما به فکر بیفتند که خودشان آنچه را که دشمن نمی‌خواهد به ما برسد، تولید کنند. تولید کردند، در مواردی بهترش را تولید کردند؛ کم‌هزینه‌تر، سبکتر، کارآمدتر. در نیرو اینجوری حرکت کنید. این، شامل فرماندهان محترم، شامل مسئولان محترم بخشهای گوناگون، شامل مجموعه‌ی پرسنل - بخصوص شما و بالخصوص جوانها - همه میشود.

از خدای متعال مسئلت میکنیم به شماها توفیق بدهد. ان شاء الله روح مطهر امام بزرگوار ما - که این حرکت را او آغاز کرد، این راه را او به ما نشان داد - و ارواح مطهر شهدای عزیز که در این راه جان دادند و نیروی هوایی مفتخر است به داشتن شهدای بزرگی در این راه، شاد باشد و از همه‌ی ما و شما راضی باشد و دعای حضرت بقیةالله شامل حال همه‌ی ما باشد.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان و جمع کثیری از پرسنل

نیروی هوایی ارتش. ۱۳۹۰/۱۱/۱۹

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خوشامد عرض میکنیم به شما عزیزان، برادران، جوانان، و تبریک عرض میکنیم این ایام متبرک و پرخاطره را؛ هم عید شریف میلاد پیامبر مکرم و امام صادق (علیهما السلام)، هم بیست و دوی بهمن، و هم نوزدهم بهمن، که یک خاطره‌ی فراموش نشدنی و یک نقطه‌ی درخشان در اوراق نورانی ایام انقلاب محسوب میشود.

بزرگداشت نوزده بهمن که ما اصرار داریم هر سال این بزرگداشت صورت بگیرد و در این سالهای متمادی در چنین روزی ما با عزیزان نیروی هوایی دیدار کردیم و شنیدیم و گفتیم، فقط به منظور زنده نگهداشتن یک خاطره نیست - اگرچه خود زنده نگهداشتن خاطرات گرمی و باشکوه، یک ارزش است - آنچه برای ما مهم است، دو نکته‌ی دیگر است: یکی درس گرفتن و عبرت گرفتن از گذشته است. وقتی ما مثلاً خاطره‌ی نوزدهم بهمن را مرور میکنیم، یک درسی از این حادثه فرا میگیریم؛ آن درس، درس اقدام، ابتکار، ایستادگی، کار بهنگام و تأثیر آن در حرکت جامعه و کشور است؛ این یک عبرت شد. درست است که بدنه‌ی ارتش دوران قبل از انقلاب، بدنه‌ی طاغوتی نبود؛ سران طاغوتی بودند، بدنه جزو ملت بودند؛ این چیز روشنی است، برای ما از اول روشن بود، برای مردم هم در طول سالهای متمادی واضح و روشن شد؛ لیکن بروز این مردمی بودن، نقش‌آفرینی در عرصه‌ی حرکت مردمی، یک چیز دیگر است. این نمیشد، مگر آن وقتی که از درون ارتش یک حرکتی که برجسته باشد، چشم‌نواز باشد، چشمگیر باشد، به وقوع بپیوندد؛ و نوزده بهمن این کار را انجام داد.

شما امروز وقتی به حادثه‌ی نوزده بهمن نگاه کنید، ممکن است اهمیت آن حادثه خیلی به چشم نیاید؛ ولی ما که آن روز بودیم، بنده که آن روز خودم ناظر این جریان بودم و در مدرسه‌ی علوی در جمع برادران نیروی هوایی حضور پیدا کردم و حرکت شجاعانه‌ی آنها را دیدم، احساس من و احساس افرادی از قبیل من که آن اوضاع را دیدند، احساس دیگری است. حادثه‌ی نوزده بهمن یک خطشکنی بزرگ بود، یک کار عظیم بود. افسر، درجه‌دار و همافر بیایند، علناً و با صراحت با انقلاب هم‌آوایی کنند و نگاه کنند تو چشم نگهبانان رژیم طاغوت و به آنها «نه» بگویند؛ این خیلی کار بزرگی بود. این اقدام اثر خودش را بخشید. یک اقدام بجا و بهنگام کاری کرد که احساسات خفته و بدون تظاهر، آن کار را نمیتوانست انجام بدهد. در همه‌ی عرصه‌ها و زمینه‌ها، اقدام و ابتکار، یک چنین اثری دارد. آن روز میدان و عرصه، آن میدان بود؛ در دوران جنگ، عرصه، عرصه‌ی دیگری بود؛

امروز عرصه، عرصه‌ی دیگری است. در هر برهه‌ای، در هر میدان و عرصه‌ای، حضور بهنگام، کار بهنگام، اقدام بموقع، میتواند چنان اثر بزرگی را داشته باشد. این یک.

دوم: ما از این حادثه درس بگیریم برای آینده؛ در گذشته متوقف نشویم. یکی از آفات اجتماعات و مجموعه‌ها و ملتها و گروه‌ها، متوقف ماندن در افتخارات گذشته است. هی افتخارات گذشته را به یاد خودمان بیاوریم، به آنها ببالیم، اما متناسب با آنها، در زمان حاضر، در حال، حرکتی انجام ندهیم. البته امروز نیروی هوایی و ارتش ما با آن روز قابل مقایسه نیست؛ زمین تا آسمان تفاوت پیدا کرده است. کارهای بزرگی انجام گرفته، کارهای ماندگاری انجام گرفته - در این شکی نیست - لیکن به آینده نگاه کنید. آینده، آینده‌ی مهمی است؛ آینده‌ی خطیری است. یک کشور اگر بخوهد عزت خود را، هویت خود را، منافع خود را، امنیت خود را به دست بیاورد، احتیاج دارد به ابتکار، به کار. با نشستن، با خوابیدن، با غفلت از اطراف، نمیشود به اهداف عالی دست پیدا کرد. اینکه می‌بینید جامعه‌ی اسلامی و کشورهای اسلامی چند صد سال - دویست سال، سیصد سال - دچار عقب‌ماندگی شدند، که امروز چوب آن عقب‌ماندگی را همه‌ی ما داریم میخوریم، این به خاطر غفلتها بود. در اینجا، در منطقه‌ی غربی ما، در مناطق دیگر اسلامی، کبکبه‌ی ظاهری حکومتها بود، اما حرکت متناسب با زمان و آینده نبود. دیگران علم آموختند، تجربه آموختند، فناوری آموختند، حرکت خودشان را برای فتح دنیا آغاز کردند؛ ما در شبکه‌ی صید آنها قرار گرفتیم، همه چیزمان را از دست دادیم. منظورم از «ما» فقط ایران نیست؛ ایران، کشورهای منطقه، کشورهای شمال آفریقا، کشورهای شرقی ما؛ همه‌ی منطقه‌ی اسلامی دچار غفلت شدیم. این غافل شدن، به دبدبه و کبکبه‌ی ظاهری دل‌خوش کردن، به فکر حرکت کردن نبودن، به فکر ساختن آینده نبودن، اینجور ضررهائی را دارد.

البته وقتی ملتها بیدار شدند، این بیداری به دنبال خودش، به طور خودکار تحرکاتی را می‌آورد؛ منتها سرعت و بُطی دارد. این حرکتها میتواند حرکتهای سریع و کارآمد و خوبی باشد که از متوسط سرعت دنیا پیشی بگیرد، میتواند حرکتهای بطیئی باشد که باز به دیگران نرسیم؛ چون دیگران هم که بیکار نیستند. ما داریم کار میکنیم، تلاش میکنیم، همت میکنیم، میسازیم. مگر دیگران این کار را نمیکنند؟ دیگران هم در جبهه‌ی مقابل ما دارند همت میکنند، میسازند، تلاش میکنند. ما باید کاری کنیم که سرجمع تلاشهای ما شتابی به ما بدهد که از شتاب جبهه‌ی مقابلمان بیشتر باشد؛ آن وقت میتوانیم به آینده امیدوار باشیم.

این توصیه‌ی همیشگی من است به همه‌ی جوانان این کشور، و امروز به شما عزیزان نیروی هوایی و به همه‌ی ارتش و به همه‌ی نیروهای مسلح. هم در سازماندهی، هم در ساخت ابزار و تجهیزات و قطعات، هم در آموزش، هم در تربیت اخلاقی و تقویت آن عامل اصلی معنوی باید تلاش را مضاعف کنید. همه باید تلاش را مضاعف

کنند؛ دولت، مسئولین، بخشهای مختلف کشور، از جمله نیروهای مسلح که یک بدنه‌ی عظیمی از اندامهای مؤثر کشور را تشکیل میدهند. این تلاشها بایستی تلاشهای هدفدار و پرمغز و پرمایه‌ای باشد.

خوشبختانه امروز حقانیت حرکت جمهوری اسلامی آشکار شده. شما می‌بینید شعارهایی که تا دیروز ملت ایران بر زبان جاری میکرد، امروز در کل این منطقه همه‌گیر شده است. کشورهایی که جزو دنبال‌روان و پیاده‌نظامهای حقیر جبهه‌ی استکبار بودند، امروز به همت مردمشان جزو نیروهای ترقی‌خواه در کنار ملت ایران قرار دارند؛ همان هدفها را دنبال میکنند، همان شعارها را میدهند؛ این پیشرفت شماسست؛ این معنایش این است که ملت ایران توانسته است در طول سه دهه برای خود یاورانی، همراهانی، همگامانی پیدا کند. ما نمی‌گوئیم این حرکتها را ما به وجود آوردیم؛ این حرف منطقی نیست؛ اما منطقی هم نیست که بگوئیم بیداری یک ملت با این هیاهوی عظیمی که این بیداری در طول این سه دهه ایجاد کرده، تأثیری در بیداری دیگران نداشته؛ این هم منطقی نیست، این هم کاملاً مسلم است. امروز هم در دنیا تحلیلهای و تفسیرها همه‌اش همین است؛ می‌گویند اینجا مادر بیداری و حرکت اسلامی بود. همین روزها در تحلیلهای تحلیلگران خارجی که در مطبوعات و رسانه‌ها و سایتهای گوناگون خبری منعکس میشود، روی همین معنا تکیه میشود. این، حقانیت حرکت ما را نشان میدهد.

حرکت نظام اسلامی و جمهوری اسلامی و انقلابی که این حرکت را به وجود آورد، به سمت یک هویت حقیقی ماندگار مستحکم قابل دوام و دفاع در مقابل تهاجمهاست؛ هویت اسلامی، اتکاء به خدای متعال، احساس عزت از مسلمان بودن، تکیه‌ی بر ظرفیتهای و نیروهای که خدای متعال به ما بخشیده است - چه نیروهای شخصی یک‌یک ما، چه نیروهای عظیم جمعی ملی، چه نیروهای انسانی و چه نیروهای طبیعی ما - و فراخوانی دنیا به سمت ارزشهای معنوی.

دنیا از غرق شدن در مادیگری سودی نبرد؛ دنیا از رواج دادن آزادی‌های جنسی سودی نبرد؛ بشریت از آنچه که حرکتهای مادی در اروپا به وجود آوردند - رهائی از معنویت، رهائی از قیود الهی - سودی نبرد؛ نه عدالت را تأمین کرد، نه رفاه عمومی را تأمین کرد، نه امنیت را تأمین کرد، نه خانواده را حفظ کرد، نه توانست تربیت نسلهای بعدی را بدرستی انجام دهد؛ در همه‌ی اینها ضرر کردند. بله، یک عده‌ای کمپانی‌دارها، بانکدارها و سازندگان سلاح به آلف و الوف دست پیدا کردند - اینها بود - اما تمدن مادی غرب دستاورد بشری نداشت، دستاورد انسانی نداشت؛ خودشان را خوشبخت نکردند، جوامعی را هم که در زیر سایه‌ی اینها و با تقلید از اینها زندگی کردند، خوشبخت نکردند.

پیام انقلاب اسلامی، پیام رهائی از این حرکت بدبختی‌زا و فلاکت‌آور است. توجه به معنویت، توجه به اخلاق الهی، در عین حال پرداختن به نیازهای بشری؛ همان چیزی که در اسلام هست؛ حد متوسط. نه افراط کلیساهای کاتولیکی و ارتدوکسی و سختگیری‌های غلط، نه ولنگاری‌هایی که نقطه‌ی مقابل آن در جوامع غربی بر اثر حرکت مادی‌شان به وجود آمد؛ هیچکدام از اینها درست نیست؛ هر دو غلط است. خط اسلام، خط میانه است؛ خط عدالت است. عدالت یک معنای فراگیر و شاملی دارد. در همه‌ی زمینه‌ها عدالت - یعنی هر چیز را به جای خود نهادن - باید مد نظر باشد؛ خط متوسط انسانی؛ «و کذلک جعلناکم امةً وسطا لتکونوا شهداء علی الناس». (۱)

امروز ملت ایران جزو پیشروان این حرکت است. جامعه‌سازی میکنیم، نظام‌سازی میکنیم، حرکت عمومی و مردمی داریم. سی و سه سال از انقلاب میگذرد. در هیچ جای دنیا جشن یادبود و سالگرد انقلاب، اینجور مردمی نیست. این تنها انقلاب ماست که در هر بیست و دوی بهمنی، جشن را مردم میگیرند. در سرتاسر کشور میلیونها انسان به خیابانها می‌آیند، تظاهرات میکنند، شعار میدهند؛ این در هیچ انقلابی وجود نداشته. انقلابهای بزرگی بوده؛ بعضی از اینها را ما در زمان خودمان شاهد قضایایش بودیم، بعضی‌ها را هم در تاریخ خواندیم: سالگرد انقلابها بیایند، چند نفر آنجا بایستند، یک گروهی هم جلویشان رژه بروند، سلام نظامی بدهند. سالگرد انقلابها اینجوری برگزار میشد. یک جشنی بگیرند، یک عده‌ای دعوت بشوند، بخورند و بنوشند. برگزاری سالگرد انقلاب به وسیله‌ی خود مردم، مخصوص انقلاب اسلامی است. بیست و دوی بهمن هر سال، در آن سرماهای گوناگون، گاهی برف، گاهی یخبندان، گاهی هوای سرد سوزنده، مردم آمدند توی میدان؛ امسال هم به توفیق الهی، با هدایت الهی، با دست قدرت الهی، خواهید دید که باز مردم به میدان می‌آیند. این حرکت، حرکت مردمی است؛ و این به توفیق الهی ادامه دارد. حرکت عمومی است در کشور، و نیروهای مسلح یک بخش عمده‌ای از این حرکت مردمی را برعهده دارند.

من به همه‌ی جوانهای عزیزمان در نیروهای مسلح، در نیروی هوایی سفارش میکنم که به خودسازی بپردازند، به تربیت معنوی خود بپردازند؛ سطح آموزشها را، سطح سازماندهی را، انضباط را، آگاهی‌ها را، برادری و مهربانی در بین رده‌های مختلف را هرچه میتوانند، تقویت کنند؛ اینها نشانه‌های ارتش اسلامی و دینی است. انضباط هست، برادری بین رده‌های مختلف هم هست؛ انضباط هست، رقابت مثبت بین رسته‌های گوناگون و بخشهای مختلف - فنی، پشتیبانی، رزمی - وجود دارد، اما با روح برادری، همکاری، هم‌افزایی و صمیمیت؛ این آن خصوصیات یک مجموعه‌ی نظامی اسلامی است. و از همه بالاتر، روحیه‌ی آمادگی و فداکاری است؛ که این آن چیزی است که دیگر هیچ کس از جبهه‌ی دشمنان شما آن را ندارد. جوانهای ما در دوره‌ی جنگ هم این را

عملاً نشان دادند؛ بعد از جنگ هم تا امروز در هر جایی که لازم شده، این را ارائه کردند و نشان دادند. آنها حاضرند جانشان را کف دست بگیرند، بیایند وسط میدان؛ این آن چیزی است که خیلی ارزش دارد. این روحیهی فداکاری و ایستادگی و حساب کردن پای خدا را حفظ کنید؛ پاکیزگی و طهارت و تقوای معنوی را روزبه‌روز افزایش دهید؛ ان‌شاءالله خدای متعال هم از همه جهت به شما کمک خواهد کرد.

از خدای متعال می‌خواهیم ان‌شاءالله مسئولان نیروی هوایی، کارکنان نیروی هوایی، خانواده‌های محترمشان و فرزندانشان و همسرانشان را مشمول تفضلات خودش قرار بدهد و توفیق بدهد که در هر بخشی از بخشهای این سازمان مهم و عظیم و تعیین‌کننده، افراد بتوانند وظائفشان را به بهترین وجهی ایفاء کنند.

والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

بیانات در دیدار فرماندهان و جمعی از کارکنان نیروی هوایی ارتش

جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۹۱/۱۱/۱۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خیلی خوشحالم که بحمدالله در موعد هر ساله بار دیگر با شما برادران، فرزندان، جوانان عزیز، از نیروی هوایی سرافراز ارتش جمهوری اسلامی ایران، ملاقات میکنم. خیلی خوش آمدید همه‌تان. سرودی هم که اجرا شد، شعر خوب، آهنگ خوب، اجرا خوب، مضامین عالی؛ ان‌شاءالله که دل‌های ما و شما همواره برخوردار باشد از نفعات رحمت و هدایت الهی که این مهمترین پشتوانه است.

با یک نگاه متعارف و معمولی به نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در طول این سالهای متمادی، انسان حقایق مهمی را درک میکند. یک روزی بود که شما حتی یک قطعه‌ی هواپیماهایی را که در اختیار داشتید، نمیتوانستید و اجازه نداشتید تعمیر کنید و روی آن کار کنید. امروز شما هواپیمای آموزشی میسازید؛ جنگنده میسازید؛ شبیه‌ساز میسازید؛ کارهای مهم راداری انجام میدهید؛ قطعه‌های پیچیده را تولید میکنید. جریان عظیم استعداد و عشق و ابتکار و حرکت در جهت خودباوری و خودکفایی در نیروی هوایی، در کل ارتش، در نیروهای مسلح و در سراسر کشور، یک جریانی است که امروز حتی مخالفین جمهوری اسلامی، دشمنان جمهوری اسلامی هم نمیتوانند منکر آن بشوند. نظام سلطه که به کمک زر و زور و به کمک سلاح و تهاجم نظامی تلاش کرده بود اختیار ملتها را و کشورها را در سراسر دنیا در دست بگیرد و بیاوراند که ملتها بدون تکیه‌ی به ابرقدرتها و صاحبان زر و زور - که پشت سرشان هم کمپانی‌های صهیونیستی و غیرصهیونیستی صف کشیده بودند - نمیتوانند راهی به عظمت و شخصیت و هویت و استقلال پیدا کنند، شما این را در هم شکستید. امروز شما ملاحظه کنید؛ ملت ایران را مقایسه کنید با ملت‌هایی که سی سال در سیطره‌ی قدرت آمریکا بودند؛ ببینید شما کجایید، آنها کجایند. ملت ایران سی سال حرف مستقل خود را گفت؛ سخن حق خود را تکرار کرد؛ به سلطه‌گران «نه» گفت و اینجاست. دولت‌هایی، ملت‌هایی هستند و بودند که در این سی سال در سیطره‌ی آمریکا بودند - دولت‌های سرسپرده‌ی آمریکا که ملت‌هایشان را زیر پای سلطه‌گران انداخته بودند - آنها هم هستند؛ ببینید آنها کجایند، شما کجایید. ملت ایران با حرکت خود، با استقلال خود، با خودباوری خود، با توکل به خدا، اثبات کرد که میتوان و میباید در مقابل سلطه‌ی بیگانگان و سلطه‌جویان ایستاد و میتوان ایستاد. این را ملت ایران اثبات کرده است. سی سال پیش ملت ایران در قافله‌ی علم و تمدن و پیشرفت و فناوری و نفوذ سیاسی کجا بود؟ امروز کجاست؟ به برکت ایستادگی، به برکت توکل به خدا، به برکت به میدان آوردن همه‌ی استعدادهای

خود؛ این یک تجربه است؛ هم برای خود ملت ایران و نسلهای آینده تجربه است، هم برای ملت‌های دیگر تجربه است و نیروی هوایی جمهوری اسلامی یکی از نمونه‌هاست در این ایستادگی و حرکتی که متکی به خودباوری بود. این را باید ادامه بدهید. ما ملت ایران باید این را ادامه بدهیم. این راه، راه پربرکتی است.

دشمنان ملت ایران در این سی و چند سال هر چه در توان داشتند، علیه این ملت به کار گرفتند؛ چیزی در چننه ندارند که علیه ملت ایران به کار نگرفته باشند؛ تحریکات کردند، جنگ راه انداختند، از دشمن جمهوری اسلامی با همه‌ی توان حمایت کردند، معارضه‌ی سخت کردند، معارضه‌ی نرم کردند؛ هر چه در توان داشتند، با این ملت مبارزه کردند؛ اما ملت ایستاد، ایستادگی کرد؛ نه فقط نتوانستند او را به زانو در بیاورند و بشکنند، نتوانستند جلوی پیشرفت او را بگیرند - این ملت پیشرفت کرده است - از هر کاری که در اختیارشان بود و میتوانستند، در این سی سال استفاده کردند؛ توطئه کردند، کودتا راه انداختند، تحریک نظامی کردند، حمله به هواپیما کردند، تحریم‌های سخت و شدید کردند؛ روزبه‌روز تحریم‌ها را زیاد کردند، به امید اینکه بتوانند ملت را از صحنه خارج کنند؛ بتوانند ملت را ناامید کنند؛ بتوانند ملت را نسبت به اسلام و جمهوری اسلامی بدبین کنند؛ اما ناکام ماندند. این کارنامه‌ی جمهوری اسلامی است.

این روزها، روزهای دهه‌ی فجر، فرصت خوبی است که فرزندان ما، آگاهان ما، جوانان ما، آحاد ملت ما به ارزیابی‌ی کاری که در این سی و چند سال کرده‌اند، بپردازند؛ ببینند پیشرفتهای خودشان را؛ ببینند تلاش موفق خودشان را؛ ببینند کمک‌های الهی را؛ ببینند ضعفِ مکرِ دشمنان را؛ که «و مکروا و مکر الله و الله خیر الماکرین» (۱) این شد یک دستورالعمل کلی برای ما که ببینیم راه آینده‌مان را چگونه باید انتخاب کنیم. شما در نیروی هوایی با همین نگاه، با همین جهتگیری حرکت کنید؛ پیش بروید. بخشهای مختلف کشور، آحاد ملت، مسئولان کشور با این نگاه حرکت بکنند.

البته دشمن اذیت میکند، آزار میکند، اما جز اذیت و آزار کاری از او بر نمی‌آید. عرض کردم چند روز قبل از این، خدای متعال می‌فرماید: «لن یضروکم آلا اذی» (۲) کار آنها این است که به شما آزار برسانند، اما نمیتوانند جلوی شما را سد کنند، نمیتوانند راه شما را ببندند. این همه آمریکایی‌ها در طول این سی سال علیه ملت ایران رجزخوانی کردند، هر چه در توان داشتند گفتند، کردند، تبلیغ کردند، امپراطوری خبیث رسانه‌ای را علیه ملت ایران به کار گرفتند؛ نتیجه این شده است که امروز ملت ایران به فضل الهی از همیشه شاداب‌تر، عازم‌تر، جازم‌تر، فعال‌تر، شکوفایی بیشتر در عرصه‌های مختلف را دارد مشاهده میکند؛ سعی آنها این بوده است که ملت را از نظام جمهوری اسلامی، از انقلاب جدا کنند. هر سال در ۲۲ بهمن، ملت ایران با حضور خودشان در این عرصه‌ی نمایش عمومی ملی و انقلابی، دشمن را ناکام کردند؛ سعی‌شان این است که ملت را جدا کنند. وزیر خارجه‌ی بی

تجربه‌ی قبلی آمریکا صریحاً گفت که ما این تحریمها را برای این میگذاریم که مردم ایران را در مقابل نظام جمهوری اسلامی قرار بدهیم؛ ملت ایران جواب آنها را در حرکات خود، در راهپیمایی‌های خود داده‌اند و خواهید دید در روز ۲۲ بهمن، ملت ایران با حرکت کوبنده‌ی خود، یکبار دیگر دشمن را ناکام خواهند کرد. ... (۳) حُسن کار این است که ملت بصیر است، بیدار است، معنای کار دشمن را میفهمد، حرکات دشمن را جهت‌یابی میکند؛ میفهمد چرا دشمن این سیاست را اتخاذ کرده است، نقطه‌ی مقابل او حرکت میکند، بر داشته‌های خود پافشاری میکند، حضور خود را در این عرصه‌ی عظیم عزت ملی نشان میدهد، خودش را نشان میدهد، حضور خودش را اثبات میکند؛ این حُسن قضیه است. بصیرت عمومی مردم در مقابل تبلیغاتی که دشمنان میکنند - بیشتر از همه آمریکایی‌ها و صهیونیستها - راه را اشتباه نمیکنند، دچار آن اشتباهی و خطایی که دشمن در پی آن است که ملت ایران دچار آن بشود، دچار نمیشوند؛ این حُسن قضایای عظیم ملی و کلان ما است.

حالا اخیراً آمریکایی‌ها باز مسئله‌ی مذاکره را پیش کشیدند، تکرار میکنند که آمریکا آماده است با ایران مذاکره‌ی مستقیم بکند؛ این تازگی ندارد. مسئله‌ی مذاکره را آمریکایی‌ها در هر مقطعی تکرار کرده‌اند. حالا امروز نوبه‌میدان‌آمده‌ها مجدداً تکرار میکنند که مذاکره کنیم و میگویند توپ در زمین ایران است، توپ در زمین شماست، شما هستید که باید پاسخگو باشید، شما هستید که باید بگویید مذاکره‌ی همراه با فشار و تهدید، چه معنایی دارد؟ مذاکره برای اثبات حُسن نیت است. شما ده تا کار انجام میدهید که حاکی از سوء نیت است، آن وقت به زبان میگویید مذاکره؟! توقع دارید ملت ایران قبول کنند که شما حُسن نیت دارید؟! ما البته درک میکنیم چرا آمریکایی‌ها این روزها باز مجدداً مسئله‌ی مذاکره را هی تکرار میکنند، هی میگویند پشت سر هم به زبانهای گوناگون؛ ما میفهمیم علت چیست. به قول خود آمریکایی‌ها، سیاست خاورمیانه‌ای آنها دچار شکست شده. آمریکا در سیاستهای خود در این منطقه، دچار شکست است. احتیاج دارند به اینکه یک برگ برنده‌ای را به قول خودهاشان رو کنند؛ این برگ برنده از نظر آنها عبارت است از اینکه: نظام جمهوری اسلامی انقلابی مردمی را، بکشاند پای میز مذاکره؛ به این احتیاج دارند. میخواهند به دنیا اعلام کنند که ما حُسن نیت داریم. نه، ما حُسن نیتی مشاهده نمیکنیم. من چهار سال قبل - در اول این دولت کنونی امریکا - که باز همین حرفها را میزدند، اعلام کردم، گفتم که ما پیشداوری نمیکنیم، قضاوت زود هنگام نمیکنیم؛ ما نگاه میکنیم ببینیم عمل اینها چگونه است، آن وقت قضاوت خواهیم کرد. حالا بعد از چهار سال، قضاوت ملت ایران چه باشد؟ از فتنه‌ی داخلی حمایت کردند، به فتنه‌گران کمک کردند، در سطح منطقه با ادعای مبارزه با تروریسم به کشوری مثل افغانستان لشگرکشی کردند، این همه انسان را پامال کردند، نابود کردند؛ با همان تروریستها امروز دارند در سوریه همکاری میکنند، پشتیبانی میکنند؛ همان تروریستها را در هرجایی که توانستند در ایران به کار بگیرند،

به کار گرفتند، عوامل آنها، همپیمانهای آنها، جاسوسان رژیم صهیونیستی، دانشمندان را در جمهوری اسلامی ترور کردند صریح، اینها حاضر نشدند حتی محکوم کنند، حمایت هم کردند؛ این عملکرد آنهاست؛ علیه ملت ایران تحریمهایی را که خودشان میخواستند این تحریمها فلج کننده باشد، به کار گرفتند و این را تصریح کردند و گفتند فلج کننده. چه کسی را میخواستید فلج کنید؟ ملت ایران را میخواستید فلج کنید؟ شما حُسن نیت دارید؟ مذاکره از روی حُسن نیت، با شرایط برابر، میان دو طرفی که نمیخواهند به یکدیگر کلک بزنند، معنا پیدا میکند. مذاکره به صورت یک تاکتیک، مذاکره برای مذاکره، مذاکره برای فروختن ژست ابرقدرتی بیشتر به دنیا، این مذاکره یک حرکت حيله‌گرانه است؛ این حرکت واقعی نیست. من دیپلمات نیستم، من انقلابی‌ام، حرف را صریح و صادقانه میگویم. دیپلمات یک کلمه‌ای را میگوید، معنای دیگری را اراده میکند. ما صریح و صادقانه حرف خودمان را میزنیم؛ ما قاطع و جازم حرف خودمان را میزنیم. مذاکره آن وقتی معنا پیدا میکند که طرف، حُسن نیت خود را نشان بدهد؛ وقتی طرف، حُسن نیت نشان نمیدهد، خودتان میگویید فشار و مذاکره؛ این دوتا با هم سازگار نیست. شما میخواهید اسلحه را مقابل ملت ایران بگیرید، بگویید: یا مذاکره کن یا شلیک میکنم. برای اینکه ملت ایران را بترسانید، بدانید ملت ایران در مقابل این چیزها مرعوب نخواهد شد... (۴)

یک عده‌ای هم از روی ساده‌لوحی بعضاً، بعضی هم از روی غرض - نمیشود انسان قضاوت قطعی نسبت به اشخاص بکند، اما کار آدم ساده‌لوح، با کار آدم مغرض، در ماهیت خود تفاوتی پیدا نمیکند - خوشحال میشوند که بله، بیایید؛ نه، اینجور نیست، مذاکره مشکلی را حل نمیکند؛ مذاکره‌ی با آمریکا مشکلی را حل نمیکند؛ کجا اینها به وعده‌های خودشان عمل کردند؟ شصت سال است که از ۲۸ مرداد ۳۲ تا امروز در هر موردی که با آمریکایی‌ها مسئولین این کشور اعتماد کردند، ضربه خوردند. یک روزی مصدق به آمریکایی‌ها اعتماد کرد، به آنها تکیه کرد، آنها را دوست خود فرض کرد، ماجرای ۲۸ مرداد پیش آمد که محل کودتا در اختیار آمریکایی‌ها قرار گرفت و عامل کودتا با چمدان پُر پول آمد تهران و پول قسمت کرد بین اراذل و اوباش که کودتا را راه بیندازد؛ آمریکایی بود. تدبیر کار را خودشان هم اعتراف کردند، اقرار کردند. بعد هم حکومت ظالمانه‌ی پهلوی را سالهای متمادی بر این کشور مسلط کردند، ساواک تشکیل دادند، مبارزان را به زنجیر کشیدند، شکنجه کردند؛ این مال آن دوره است. بعد از انقلاب هم در برهه‌ای مسئولین کشور روی خوش‌بینی‌های خود به اینها اعتماد کردند، از آن طرف، سیاست دولت آمریکا، ایران را در محور شرارت قرار داد. مظهر شرارت شماستید که در دنیا دارید شرارت میکنید، جنگ راه می‌اندازید، ملت‌ها را میچاپید، از رژیم صهیونیستی حمایت میکنید، ملت‌های بپاخاسته را در این ماجرای بیداری اسلامی تا هر جا که بتوانید دچار سرکوب میکنید و به استضعاف میکشید و بین آنها اختلاف می‌اندازید؛ شرارت متعلق به شماست؛ شأن شماست. ملت ایران را متهم کردند به

شرارت؛ اهانت بزرگ. هر جا به اینها اعتماد شد، اینها این جور حرکت کردند. باید حُسن نیت نشان بدهند. عنوان مذاکره، پیشنهاد مذاکره با فشار سازگار نیست؛ راه فشار با راه مذاکره دوتاست؛ امکان ندارد که ملت ایران قبول بکند که زیر چکمه‌ی فشار، زیر تهدید بیاید با طرف تهدید کننده و فشار آورنده مذاکره کند. مذاکره کنیم که چی؟ که چه بشود؟

امروز ملت ایران بیدار است. چهره‌ی آمریکا نه فقط در ایران، در منطقه شناخته شده است؛ ملتها به آمریکا سوء ظن دارند و این سوء ظن قرائن متعددی برای آنها دارد؛ ملت ایران هم دست آمریکا را خوانده است، میفهمد که مقصود آنها چیست؛ ملت بیدار است. امروز اگر کسانی بخواهند سلطه‌ی آمریکا را مجدداً در این کشور بر قرار کنند، بخواهند از منافع ملی، از پیشرفت علمی، از حرکت مستقل صرف‌نظر کنند برای خاطر رضایت آمریکا، ملت گریبان اینها را خواهد گرفت؛ بنده هم اگر بخواهم بر خلاف این حرکت عمومی و خواست عمومی حرکت کنم، ملت اعتراض خواهد کرد؛ معلوم است. همه‌ی مسئولین موظفند منافع ملی را رعایت کنند؛ استقلال ملی را رعایت کنند؛ آبروی ملت ایران را حفظ کنند.

ما با کشورهایی که حرکت توطئه‌آمیز علیه ایران نداشتند و ندارند، مذاکره کردیم، قرار داد بستیم، ارتباط برقرار کردیم؛ ملت ایران اهل مسالمت است؛ ملت ایران اهل حلم است؛ وحدت ملت ایران در خدمت منافع عمومی بشریت است؛ امروز آنچه که ملت ایران انجام میدهد برای منافع ملی، برای منافع امت اسلامی و برای منافع بشریت است. و بدون تردید کمک الهی پشت سر ملت ایران است. مردم ایران با این بصیرت، با این عزم راسخ، با این ایستادگی‌ای که در این راه روشن خود نشان دادند و ان‌شاءالله همیشه این را دنبال خواهند کرد، خواهد توانست نه فقط ملت ایران را، ان‌شاءالله امت اسلامی را به اوج قله‌ی افتخار برسانند. راهش این است که این بصیرت را حفظ کنیم؛ راهش این است که اتحاد خودمان را حفظ کنیم؛ راهش این است که مسئولین کشور مصالح کشور را حفظ کنند. این بداخلاقی‌هایی که دیده می‌شود در برخی از عرصه‌ها و صحنه‌ها از بعضی از مسئولین کشور - که من حالا در آینده خواهم پرداخت به این بداخلاقی‌ها ان‌شاءالله؛ با مردم حرف خواهم زد - این بداخلاقی‌ها را بگذارند کنار. ملت یک دل است، مصمم است، فعال است. اگر اختلاف نظری هم در مسائل گوناگون در میان ملت وجود داشته باشد، در مقابل دشمن، در مقابل استکبار، در مقابل کسانی که کمر به ریشه‌کنی این ملت و این نظام بسته‌اند، همه‌ی مسئولین و آحاد ملت با هم همدستند؛ هیچ اختلافی در این جهت بین آحاد ملت وجود ندارد.

و انشاءالله روز ۲۲ بهمن، مردم باز هم نشان خواهند داد به فضل پروردگار، به توفیق الهی، که برای حفظ پایه‌های این انقلاب، همه‌ی ملت در صحنه هستند و آماده هستند و هم‌دل و هم‌زبان و هم‌جهتند و بی شک توفیق الهی هم شامل حال آنها خواهد بود.

والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته